

## بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه

### معتدل الاهی

مهدی ایمانی مقدم<sup>۱</sup>

حمید پارسانیا<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف از انجام این پژوهش، نقد مبانی نظری «نظریه جامعه باز» یا همان «لیبرال دموکراسی منفی» کارل پوپر بود. **روش:** پژوهش حاضر به روش نقد معرفت شناختی و ابطال روش ابطال گرایی در فلسفه علم پوپر صورت گرفت. **یافته ها:** هرچند پوپر در نظریه اش خواهان تحقق جامعه‌ای مبتنی بر قبول اصالت فرد، محوریت قانون و تساوی در برابر آن، دموکراسی و آزادی بود، اما شرط تحقق همه این اصول را صرفاً بروز و نمود حذفی اراده‌های انسانی می‌دانست. نظریه وی بر فرض «جهانهای سه گانه» در هستی شناسی، «ابطال گرایی» در فلسفه علم و «استحاله کسب یقین» در معرفت شناسی استوار شده و در مقابل این نظریه، نظریه مردم سالاری دینی قرار دارد که در قرائت اسلام ناب بر پایه قبول مبده و معاد و منزلت خلیفه الهی انسان، مبتنی بر «تالیسم» هستی شناختی، «ثبات گرایی تجربی و عقلانی و حیاتی» در فلسفه علم و «امکان و بلکه ضرورت کسب یقین» در معرفت شناسی استوار شده است. **نتیجه گیری:** نتایج حاصل از مقاله حاضر می‌تواند تناقض موجود در ادعای «اصلاحات گام به گام منفی»، طرح شده از سوی اصلاح طلبان پوپری در دنیای اسلام و ایران اسلامی را عیان سازد و رهیافتی به یکی از بنیادی ترین و تاریخی ترین مسائل حوزه فلسفه سیاست؛ یعنی «مبانی مشروعیت در تحقق و بقای حکومت» باشد.

**واژگان کلیدی:** مردم سالاری دینی، جامعه باز، جامعه بسته، عقلانیت انتقادی، دموکراسی منفی، کارل ریموند پوپر.

◇ دریافت مقاله: 99/11/14، تصویب نهایی 1400/02/25.

1. استادیار گروه معارف دانشگاه اراک (نویسنده مسئول). نشانی اراک، میدان بسیج، بلوار کربلا، دانشگاه اراک / نامبر: 08632761008/

Email: nahadom@gmail.com

2. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

## الف) مقدمه

افکار کارل ریموند پوپر، فیلسوف اتریشی - بریتانیایی (1902-1994)، الهام بخش فعالیت‌های سیاسی مخالفان برخی حکومت‌های عمدتاً غرب‌ستیز، از جمله جمهوری اسلامی ایران، در دهه‌های اخیر شده است. تلاش برای براندازی نرم توسط مراکز ماند «بنیاد جامعه باز» به رهبری جرج سورس و نیز تأثیرپذیری عمیق برخی روشنفکران سیاسی غرب‌گرا از وی در ایران معاصر پس از انقلاب، باعث ضرورت توجه مضاعف به افکار و آثار وی شده است. وی متأثر از اندیشه پوزیتیویسم و سرخورده از جنایات حکومت‌های استبدادی و تمامیت‌خواه نیمه اول قرن بیستم است و خود نیز در کتاب «جستجوی ناتمام» به یهودی بودن و فراماسون‌زاده بودنش تصریح می‌کند (پوپر، 1379: 67؛ بشریه، بی تا: 125). مهم‌ترین و مبسوط‌ترین اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی پوپر در دو اثر مهم وی به نام‌های «جامعه باز و دشمنان آن» (1380) و «فقر تاریخی گرای» (1350) منتشر شده است. او در تلاش برای ایجاد یک مکتب فلسفی - سیاسی، ابتدا وجود سه جهان را مفروض داشته و با جمع رئالیسم و ایدئالیسم معرفتی، ویژگی‌های جهان سوم را حاصل تعامل انتقادی بین‌الذلهانی دانسته، این ویژگی را الهام‌بخش نظریه ابطال‌گرایی منفی در فلسفه علم‌اش و خردورزی انتقادی در جامعه باز و دموکراسی منفی در فلسفه سیاسی‌اش قرار می‌دهد. البته خود او به وابستگی این نظریات تصریحی ندارد و فهم این ارتباط، حاصل تعمق در آرای اوست. بنابر این، بسان بازی دومینو، نقض و رد جهانهای سه‌گانه، شروع ریزش سایر فرضیه‌های وی خواهد بود که در تحقیق حاضر بر اساس حکمت اسلامی که پایه نظریه مردم‌سالاری دینی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است، این نقد صورت پذیرفته است.

تاریخچه بحث در ایران: شروع توجه به آرای پوپر در ایران با نزاع بین مرحوم سید احمد فرید و شاگردانش با پوپری‌های ایران، از جمله اعضای حلقه کیان بود. ترجمه آثار پوپر در اوایل دهه 50 و عموماً توسط احمد آرام و عزت‌الله فولادوند در مجله کیهان فرهنگی و از سال 1369 توسط اعضای حلقه کیان صورت پذیرفت و به این ترتیب، کتابهای پوپر در عرصه سیاست و فلسفه علم در ایران رواج پیدا کرد و اندک‌اندک به خاطر محتوای براندازانه برخی مؤلفه‌های آن، که در تقابل با برخی ارزشهای انقلاب اسلامی بود، مورد نقد و اعتراض اندیشمندان انقلابی قرار گرفت. هرچند تحقیقات و سخنرانی‌های علمی متعددی در این باب ارائه شده است، اما مقایسه تطبیقی نظریه مردم‌سالاری دینی با نظریه جامعه باز به عنوان قرائتی نو از لیبرال دموکراسی، آن هم نه در مشخصه‌ها و مؤلفه‌ها، بلکه در مبانی فلسفی و معرفتی، کاری نو و فاقد سابقه پژوهشی است.

### ب) «جامعه باز»: ویژگی‌ها و مؤلفه‌ها

ایده جامعه باز پوپر که در برابر جامعه بسته طرح و تعریف شده، به معنای جامعه‌ای است که در آن دموکراسی لیبرال منفی حاکم است. این ایده به طور کامل برخاسته از اندیشه‌های هستی‌شناختی (فرضیه جهانهای سه‌گانه)، معرفت‌شناسی حدسی و ایده پوپر در باب استحاله رسیدن به یقین و معرفت است که در بخشهای بعد به آن پرداخته خواهد شد. وی جامعه‌ای را که در آن افراد با تصمیمهای فردی خود به حذف آلام جامعه و حاکمان می‌پردازند، جامعه باز می‌داند و تنها روش دستیابی به آن را خردمندی انتقادی به معنای نفی تقدس از هر چیز و هر کس می‌داند.

#### 1. ویژگی‌های جامعه باز

خردورزی انتقادی: معیار علمی بودن، قانون، فرهنگ، اخلاق، اقتصاد و حاکمیت، خردورزی انتقادی به معنای قابلیت انتقاد و نفی تقدس و مرجعیت از هر مرجع انسانی یا فوق انسانی است. (پوپر، 1070: 1079، 1107، 1087)

شفاف‌گویی: زبان مبهم موجب سوء استفاده حاکمیتها و باعث عوام‌فریبی آنان و منتهی به توتالیتاریسم است. (همان: 1081)

تساهل و مدارا حاصل استحاله کسب یقین: «من ممکن است بر خطا باشم و شما بر صواب؛ اما با بذل کوشش ممکن است هر دوی ما به حقیقت نزدیک‌تر شویم». (همان: 1061؛ همو، 1380: 31)

دموکراسی منفی: به معنای دادن نقش حذفی به آحاد مردم و تغییر پرسش از اینکه «چه کسی باید حکومت کند؟» به «چگونه می‌توان حاکم و حکومت بد را بدون خشونت توسط مردم سرنگون ساخت؟». طبق نظر پوپر، مردم نه ممکن است در حاکمیت نقش داشته باشند و نه باید که چنین باشد؛ زیرا فرمانفرمایی مطلق مردم به تناقض دموکراسی یا تناقض آزادی ختم می‌شود؛ یعنی امکان رأی مردم به استبداد یا سلب آزادی از خود. (همو، 1376: 234)

ثنویت انتقادی (جدایی) بین عرف و ارزشها (امور اعتباری) از یک سو و طبیعت و تاریخ (امور واقعی) از سوی دیگر: وی معتقد است حکومتهای تمامیت‌خواه و بسته با ارجاع ارزشها و دستورها به فرایند طبیعت یا جبر در سیر تطورات تاریخی، به نوعی در پی توجیه توتالیتاریسم‌اند و این حربه را «صالت وحدت خام» می‌نامد و در مقابل، به ثنویت و جدایی این دو قائل است. البته این ثنویت را به معنای نسبییت اخلاق و قانون نمی‌داند؛ زیرا گزاره‌های ارزشی و دستوری را به حقایق جهان سوم و عرف ارجاع می‌دهد. (همو، 1371: 112-109)

## 600 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

نفی هرگونه تقدس و مرجعیت طلبی (دینی، حکومتی، فلسفی و...)؛ پوپر با تعریف ایدئولوژی به «هر نظریه یا اعتقاد یا جهان بینی غیر علمی (غیر قابل آزمون و نقد) که مورد علاقه مردم و دانشمندان است»، آن را مهم ترین مانع بر سر راه رسیدن به جامعه باز می داند. (همو، 1371: 107، 378-389؛ همو، 1380: 70-68)

امکان رقابت آزاد افراد و احزاب برای ارتقا و کسب جایگاه اجتماعی - سیاسی برتر: هر چند پوپر مخالف نظام حزبی است، ولی لازمه تحول و پویایی حاصل از خردورزی و انتقاد در جامعه باز را «تضعیف کیفیات شخصی» می داند و پیشنهاد ایجاد مجموعه های فرهنگی - سیاسی را که افراد به میل خود به عضویت آنها در آیند می دهد. البته مشروط به اینکه دولت برای حفظ ارزشهای نظام لیبرال دموکراسی، بر آن نظارت داشته باشد. (همو، 1376: 234)

تفرد و اصالت بخشی به فرد: پوپر متأثر از پریکلس و کانت، هرگونه کل نگرایی اجتماعی، تاریخی و دینی را باعث تلاش برای یکسان اندیشی و جزم اندیشی و سلب آزادی و محدودیت در انتقاد می داند که با روح جامعه باز در تعارض است. (همو، 1371: 277-276، 451، 1134، 1158، 1245)

اندیشه جهان میهنی در عین قبول تضارب و اختلاف فرهنگها و اندیشه ها: وی مخالف با ناسیونالیسم و ایدئولوژی است؛ زیرا باعث دگم اندیشی و برتری طلبی بر سر ملیت و قوم و زبان و مانع انتقاد می شوند. (همان: 505-503)

تأکید بر مسئولیت پذیری اخلاقی افراد بر پایه به حداقل رساندن آسیب و ضرر به دیگران و قبول آرای انتقادی دیگران و سعی در اصلاح خود. (همان: 1079)

وجود نهادهای اجتماعی برخاسته از لیبرالیسم و اومانیسم که حافظ آزادی اندیشه و نقد باشند. (همان: 1080؛ همو، 1376: 18)

## 2. لیبرالیسم منفی الگوی عملی پوپر برای ایجاد جامعه باز

اصول سیاست جامعه باز پوپر، تلفیق مؤلفه های لیبرالیسم، سوسیالیسم و دموکراسی است و الگوی اجرایی و حکومتی پیشنهادی او برای تحقق آرمانهای جامعه باز که متضمن اصول پیش گفته است، عبارت است از: «دولت رفاه و مداخله گر». او این الگو را در مقابل اصالت تاریخیان هم عصر خود که مدعی ایجاد بهشت برین در قرائتهای کمونیستی و نازیستی و فاشیستی اند، ارائه می دهد. او مداخله دولت قدرتمند را برای حفظ اصول لیبرالیسم لازم می داند و از آن به پدرسالاری دولت برای تضمین لیبرالیسم یاد می کند و دامنه این دخالت را حتی به بازار آزاد برای رشد و توسعه همه جانبه بسط می دهد. وی حتی اجازه استفاده دولت از جبر و زور و خشونت و سانسور برای الزام شهروندان به اتخاذ تصمیمهای اخلاقی مسئولانه را نیز صادر می کند (شریه، 1384: 53 پوپر، 1374: 85، همو، 1371: 525). البته در گام بعد، پوپر با حذف و طرد ملیت و زبان و دین، اندیشه رفاه جهانی را پیشنهاد می دهد. (پوپر، 1371: 293-529)

## 601 مهدی ایمانی مقدم و حمیدپارسانیا

بنابر این، با وجود تنوع و تفاوت مکتبهای لیبرالیستی و تنوع در تلقی‌ها و تعاریف مختلف از «لیبرالیسم»، پوپر را می‌توان فردی لیبرال با تعریف کلاسیک از آن و متمایل به سوسیال-دموکراسی دانست. (همو، 1384: 17؛ چلرز، 1373: 142)

اصول و مبانی پنج‌گانه لیبرالیسم در اندیشه پوپر به صورت ذیل تبلور یافته است:

تأکید بر اصالت فرد انسانی: پوپر، انسان را به عنوان ملاک و محور معرفتی و نقش‌آفرین در عرصه هستی و معنادهنده به زندگی و تاریخ، به ویژه در جهانهای دوم و سوم، ترسیم می‌کند و هرگونه هویت جمعی و تاریخی را برای انسان انکار می‌کند و آن را منشأ توتالیتراریسم می‌داند. (پوپر، 1371: 109-107، 1108)

تأکید بر آزادی: آزادی مد نظر پوپر، آزادی منفی حداکثری؛ یعنی رهایی حداکثری از قید و بندهای اجتماعی، اخلاقی، دینی و سیاسی و اسطوره‌ها و چارچوبهاست؛ البته تا آنجا که به مبانی لیبرالیسم و آرمان جامعه باز لطمه‌ای نزند و این اندیشه را لازمه روحیه تهوّر و مرجعیت‌شکنی و تقدس‌زدایی در خردورزی انتقادی حاکم بر جامعه باز می‌داند. بنابر این، آزادی در اندیشه پوپر، ابزاری برای به دست آوردن جامعه باز است. (همو، 1384: 19)

تأکید بر خردگرایی و خودبسندگی عقل در تعالی انسان: لازمه خردورزی لیبرالیستی پوپر، توجه به کسب منفعت نقدی حاصل از رفع شر و ترجیح آن بر نفع نسبه‌ای آرمانشهری و ناکجاآبادی حاصل از وعده ساختن مدینه فاضله است. وی در این زمینه به طور کامل از خردورزی عصر روشنگری تأثیر پذیرفته است. (خامنه‌ای، 1379: 143-141؛ پوپر، 1371: 226)

عدالت به معنای تساوی انسانها: از دیدگاه پوپر، تمام اشکال امتیازطلبی، مردود است و وی مساوات افراد انسانی را در امکانات سیاسی و اجتماعی و به منظور شکوفایی استعدادها مد نظر قرار می‌دهد.

پلورالیسم معرفتی، اخلاقی، دینی و سیاسی: در اندیشه پوپر، پلورالیسم خود را در سه مشخصه نشان می‌دهد: الف) تساهل و تحمل مخالف، ب) ضرورت انتقادپذیری و عبرت‌گیری از آزمونهای گذشته، ج) نفی مرجعیت‌طلبی و اقتدارگرایی معرفتی، دینی و سیاسی.

ابتنای عقلانیت پوپر بر پایه تصمیمهای شخصی اخلاقی و اعتقاد وی مبنی بر آزادی افراد بشری تا سرحد ممکن و نیز عام‌نگری لیبرالی مبنی بر غایت فی‌نفسه بودن هر فرد بشری، پیش‌زمینه‌های اندیشه پلورالیستی اوست. پوپر، قبول تساهل حاصل از پلورالیسم اجتماعی را با نسبت اخلاقی یا آنارشسیسم معرفتی و سیاسی ملازم نمی‌داند. (پوپر، 1371: 107-106، 111-112، 224، 517؛ خامنه‌ای، 1379: 68-67)

### ج) نظام سیاسی مطلوب پوپر

پوپر با توجه به روش ابطال‌گرایی در فلسفه علم، منکر جایگاه اثباتی برای مردم است و رأی مردم و دموکراسی را تنها در جهت سلب و نفی حاکمان نامطلوب، درست و مؤثر می‌داند. او مکرر بر معنای رایج

## 602 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

از دموکراسی (حکومت مردم بر مردم) خرده می‌گیرد و آن را محصول اندیشه آرمان‌خواهی در جوامع بسته و برای مبسوط الید کردن حاکمان می‌داند و توصیه می‌کند به جای پرسش از «حاکم شایسته» برای مشروعیت‌بخشی به حکومت و حاکمان، محتوای حقیقی دموکراسی را این سؤال می‌داند که: «چگونه می‌توان حاکمیت و حاکم بد را بدون خشونت و گام به گام توسط مردم سرنگون ساخت؟» (پوپر، 1374: 147؛ همو، 1384: 153-158)

باید توجه داشت که هرچند پوپر اعتقاد راسخ به لزوم تحقق حاکمیت جهان‌میهنی و نفی هرگونه تعصب ملی و مذهبی و ... دارد و آن را شرط رسیدن به جامعه باز معرفی می‌کند و بنابر این، الگوی معینی برای مرکزیت قدرت و رهبری در چارچوب جغرافیایی کشورها ارائه نمی‌دهد؛ ولی با توجه به تمجیدهای او از نظام سیاسی فعلی آمریکا، شاید بتوان جریان قدرت در آمریکا را که نظامی مبتنی بر حاکمیت دو حزب لیبرال جمهوری خواه و دموکرات است، به عنوان الگوی حکومتی مد نظر پوپر ارائه داد. وی در نهایت و با توجه به شبکه قدرت در آمریکا و انگلستان، به سیستم حکومتی دو حزبی متمایل می‌شود. بنابر این، می‌توان ساختار دولت مد نظر پوپر را «لیبرال دموکراسی متمایل به سوسیالیسم» دانست که شایسته حاکمیت جهانی است. ساختار قدرت در نگاه وی عبارتند از:

- عناصر قدرت: تأسیس و نظارت نهادهای قانونی مردم‌نهاد و به ناچار در قالب احزاب. (همو، 1384: 160-159)

- شبکه و راهبرد قدرت: نظام دو حزبی در قالب لیبرال دموکراسی و متمایل به سوسیالیسم. (همان)

- مرزهای قدرت: در نگاه ایدئال، توصیه به تشکیل نظام جهانی تحت مدیریت ناتو و آمریکا (جهان‌وطنی). (همو، 1374: 83، 136)

بنابر این می‌توان کارکردهای دولت را از نگاه وی این گونه ترسیم کرد:

- کانون قدرت (رهبری)؛ در نظام سیاسی مطلوب وی، عبارت است از ناتو و غرب تحت رهبری آمریکا، که از نظر وی، شایسته‌ترین کانون قدرت برای رهبری جهانی است. (همان)

- دامنه قدرت: پدرسالارانه و همراه با مداخله‌گری دولت و در جهت رفع ناامنی و فقر و سایر آلام و

برای حفظ اصول لیبرالیسم و در نهایت آرمانشهر «دولت رفاه جهانی» (همو، 1371: 293، 529، 920). پدرسالاری

دولت برای حمایت از لیبرالیسم و آزادی افراد و نیز برای جلوگیری از به مخاطره افتادن منافع و آزادی

افراد و منافع ملی و سیاست خارجی تجویز می‌شود. (همان: 939؛ خامنه‌ای، 1379: 51-50)

- جریان قدرت: مردم‌سالار با اعطای نقش حذفی به مردم (دموکراسی منفی).

### 1. «فلسفه علم» پوپر در خدمت نظریه جامعه باز

وی به «صل ابطال‌پذیری» یا «آزمون و حذف خطا» که گاه نام آن را «خردورزی انتقادی» نیز می‌گذارد، به عنوان تنها ملاک برای علمی بودن گزاره‌ها معتقد است و آن را به جای «صل اثبات‌پذیری واستقرای تجربی» که در علوم سکولار به عنوان تنها روش علمی شناخته می‌شود، مطرح کرده و این،

شالوده تفکر وی در مباحث فلسفه علم است. چنین اصولی مبتنی بر استحاله امکان تحصیل علم و یقین معرفت‌شناختی است که لازمه آن توصیه به حرکت اصلاحی و انتقادی و پیشرفت به سوی معرفت، و نه امید و تلاش برای کسب یقین معرفتی در فلسفه علم و تلاش برای انقلاب و تحقق خواست اثباتی مردم در فلسفه سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه باز است. به بیان دیگر؛ معتقد است که «ما هرگز نمی‌توانیم بفهمیم که حقیقت چه هست» اما «می‌توانیم بفهمیم که حقیقت چه نیست» (پور، 1371: 1056؛ همو، 1380: 27-34) و این استحاله کسب یقین را نه تنها در علوم دینی و فلسفی و انسانی، بلکه حتی به علوم ریاضی و منطقی نیز سرایت می‌دهد (همو، 1371: 1282؛ همو، 1380: 274؛ همو، 1379: 96). در جای دیگر می‌گوید: «اعتقاد به یقین علمی و ایمان به حجیت علم چیزی جز تشفی آرزوها نیست، علم لغزش‌پذیر است؛ زیرا امری انسانی است» (همو، 1371: 281). از دیدگاه وی، روش علمی باید دارای چهار ویژگی انتقادپذیری، داشتن زبان واحد، قابلیت تجربه همگانی و ابطال‌پذیری باشد. بر این اساس، پیشرفت علوم، حاصل حل مسائل است و چنین کاری با حذف نظریه‌های ضعیف موجود و جایگزین کردن مداوم نظریه‌های بهتر، واضح‌تر، نقدپذیرتر و مقاوم‌تر در برابر آزمون‌ها محقق می‌شود. در اندیشه او، حتی علم حضوری و وجدانی هم نمی‌تواند پایه معرفت قرار گیرد؛ زیرا شرط عینیت و تحقق بین‌الذاتانی (حضور در جهان سوم) را ندارد (همو، 1376: 115؛ همو، 1380: 37). بر این اساس، هر «حدس» و «فرضیه» آن هم به صورت موقت و غیر قطعی، می‌تواند نقطه شروع شناخت علمی باشد که حاصل این حدس و آزمون‌ها، توصیف‌های علمی آزمون‌پذیر است.

بنابر این، لوازم روش ابطال‌گرایی عبارتند از:

1. قوانین علمی و طبیعی چیزی جز «گزاره‌های توصیفی با بالاترین درجه احتمال» نیستند. (همو، 1376: 53)
2. فهم میزان صدق گزاره‌ها محال است و فرضیه همیشه در حالت فرضیه بودن باقی می‌ماند. (همان: 294؛ همو، 1380: 32)
3. اجازه پذیرش هرگونه فرضیه‌ای حتی خرافی، البته تا وقتی ابطال‌پذیرند و در برابر ابطال‌گرها مقاومت می‌کنند؛ که لازمه آن، نفی مرجعیت و جزمیت در حوزه علوم طبیعی و سپس تسری و تعمیم آن به علوم اجتماعی، سیاسی و اخلاقی و دینی است. وی حتی یقینات و بدیهیات اولیه و وحی و کشف و احکام قطعی عقلی را غیر جزمی می‌داند (این ادعا مبنای معرفتی پذیرش نظریه دموکراسی منفی و انکار هرگونه مرجعیت و تقدس از فرد یا گروه یا طبقه اجتماعی و سیاسی است). (همو، 1380: 13، 25-33؛ همو، 1372: 41-23)
4. نفی روش استقرایی و استنتاج کلی از جزئیات (بر این اساس، تحقق دموکراسی مثبت و فعلیت یافتن خواست مردم محال است). (پور، 1380: 52-55)
5. نفی هرگونه روش ذات‌گرایی و ابزارگرایی و تعیین چارچوب، مانند روش «اصالت تاریخ‌گرایی»، «اصالت روان‌شناسی» و «اصالت جامعه‌شناسی» در فلسفه علوم اجتماعی و سیاسی که مدعی کسب یقین و مؤلف جامعه بسته و توتالیتاری‌اند (همان: 120-137؛ همو، 1380: 316-318). ویژگی ثانوی دشمنان جامعه باز که حاصل جزم‌اندیشی و اثبات‌گرایی معرفتی ایشان است، مبهم و غامض‌گویی آنان است؛ مانند آنچه بر فلسفه تحلیل

## 604 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه‌ باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

زبانی و اندیشه‌ورزی برخی فیلسوفان ایدئالیست و مطلق و مبهم‌اندیش آلمان مثل مارکس، هگل و هایدگر حاکم است. ویژگی سوم اصالت‌بخشان و ذات‌گرایان، تقدس‌بخشی و تابوسازی و تقید به چارچوب و تعریف است که حیل‌های برای حاکمیت توتالیترایسم و تحکیم تفکر و رفتار رادیکالی و خشونت‌انگیز معرفتی و سیاسی است. (همو، 1376: 49)

البته نباید نقش زمانه پوپر را در چرایی ارائه نظریه فلسفه علم و سیاسی وی بی‌تأثیر دانست؛ نیمه نخست قرن بیستم، نیمه در هم شکستن قوانین فیزیکی، اخلاقی و حتی دینی و فلسفی است. ظهور پوزیتیویسم منطقی مبتنی بر انکار معناداری هر گزاره فلسفی و دینی، ظهور فیزیک انیشتین و قانون نسبیت آن و سپس به فاصله اندکی، ظهور فیزیک و مکانیک کوانتوم مبتنی بر «صل عدم قطعیت» که در نگاه نخست، قوانین قطعی فیزیک نیوتن و نیز اصل علیت به عنوان اساس فلسفه و علم را متزلزل می‌ساخت، پوپر را به اندیشه استحالته کسب هر گونه یقین و معرفت سوق داد. پوپر، توتالیترایسم حاکم در دهه‌های اول قرن 20 و بروز آن در چهره خونریز نازیسم هیتلری و فاشیسم ایتالیایی و نیز اندیشه و منش تام‌گرایانه، جبری و خشونت‌گرای مارکسیسم استالینی که دو جنگ جهانی خانمان‌سوز با ده‌ها میلیون کشته و زخمی و آواره را در پی داشت، را محصول همین دگم‌گرایی معرفتی می‌داند و بر این اساس، شاخصه اصلی دشمنان جامعه باز را مدعیان کسب معرفت اثباتی می‌داند (ر.ک: پوپر، 1371: 379، 736، 880-867، 867، 103: 1379). این عوامل باعث نگاه نقادانه و منفی و بی‌اعتمادی پوپر به همه مکتبهای فلسفی و سیاسی موجود شد و طرح نظریه «بطل‌گرایی» که برآیند آن در فلسفه سیاسی، تأکید بر اصلاحات تدریجی و مهندسی اجتماعی گام‌به‌گام بر اساس نفی نواقص و اشتباهات در سیاست و فرهنگ است، برآیند این نگاه است (همو، 1371: 356، 946). بر این اساس، وی «تقد دائمی» را به دلیل ضرورت وجود نقص و جهل همیشگی در معرفتهای بشری، ضروری می‌داند و فرمول معرفت سلبی «خردورزی انتقادی» را به جای واژگان اثباتی «تلاش برای پیشرفت»، «تلاش برای کسب معرفت علمی»، «خردورزی عمومی» و «خردورزی دیالکتیکی و انتقادی مکتب فرانکفورت» پیشنهاد می‌دهد. (همو، 1380: 156-152)

## 2. «فلسفه تاریخ» پوپر در خدمت نظریه جامعه باز

تاریخ از دیدگاه پوپر، دیالکتیک بی‌پایان تحول است که از ساده‌ترین موجودات (آمیپ) تا انسان پیچیده امروزی و از جامعه بدوی (= جامعه بسته تام) تا لیبرال دموکرات امروزی (= جامعه باز نسبی) را شامل می‌شود (پوپر، 1380: 21؛ همو، 1371: 144). اما فهم این تحول در تعامل دیالکتیکی بین‌الذهانی ذهن افراد حاصل می‌آید و به تعبیر او: «معنای تاریخ آن چیزی است که ما گزینش می‌کنیم» (همو، 1380: 258). وی بر خلاف افلاطون، هگل و مارکس، معتقد است تاریخ، فاقد معنای ذاتی و ثابت است و به همین سبب، توسل به ذات‌گرایی و تاریخی‌گری را مورد انتقاد قرار می‌دهد و نفی می‌کند (همو، 1380: ج: 422؛ همو، 1350: 49-20؛ همو، 1371: 1088-1090). بر این اساس، وجود قوانین علمی و الگوهای معینی را در تاریخ، که شالوده اندیشه تاریخی‌گری



است، انکار می‌کند (مبو، 1371: 1137)؛ هر چند وی مسیر محتوم جوامع بشری را به سمت لیبرال دموکراسی منفی و جامعه باز می‌داند و از نظر او، رشد و پیشرفت بر اساس خردورزی انتقادی با اعمال روش آزمون و رفع خطا، اصلاحات گام به گام و تدریجی (مهندسی تدریجی)، تحقق اصل عقلانیت در تحول و تغییر، منفعت‌گرایی منفی با کاهش آلام به عنوان بهترین خیر، بالاجبار محقق خواهد شد. (همان: 356، 946)

### 3. «هستی‌شناسی» پوپر در خدمت نظریه جامعه باز

پوپر، ضمن ابطال نهلیسم و عدمی‌گری و نیز ابطال مثالی‌گری و ایدئالیسم، خود را واقع‌گرا و رئالیست می‌داند و بر وجود فی‌الجملة واقعیت تأکید می‌ورزد - هر چند متأثر از کانت معتقد است که واقعیت دور از دسترس هر موجودی است و تحصیل معرفت یقینی به آن محال است (مبو، 1376: 46-43). البته پوپر در نهایت، ضمن رد هر گونه تعین و چارچوب برای هستی، واقع‌گرایی و هستی‌شناسی خود را با «عقل سلیم» یا همان وجدان (= فهم شخصی افراد) توجیه معرفتی می‌کند و نمی‌تواند ملاک‌های عام منطقی و قابل قبول برای همگان را برای این ادعای خود ارائه دهد. از نظر او، عقل سلیم به معنای فرضیه معقول و جسورانه‌ای است که تاکنون ابطال نشده است. (آ: 96)

او واقعیت را به سه بخش تقسیم می‌کند که به «جهانهای سه‌گانه پوپری» شهرت یافته است. این فرضیه تلاشی است از سوی وی برای حل مشکل رابطه ذهن و عین و مشکل ملاک صدق؛ همچنین به نظر پوپر، راهی است برای جمع بین پلورالیسم معرفتی و اخلاقی از یک سو و مطلق‌گرایی معرفتی و اخلاقی از سوی دیگر. (پوپر، 1379: 343؛ مبو، 1371: 1057)

#### یک (جهانهای سه‌گانه پوپر)

**جهان اول:** شامل همه واقعیت‌های مادی و فیزیکی؛ از جمله: موجودات جاندار و غیر جاندار، سماوی و ارضی و نیز همه تنشها، حرکتها، نیروها و فعل و انفعالات موجودات.

**جهان دوم:** جهان ذهن و صور ذهنی و روانی؛ به شرط خام بودن و عدم تصرف و نقد.

**جهان سوم:** جهان محصولات و فرآورده‌های عینی اما انتزاعی و حاصل تعامل انتقادی ذهن با موجودات جهان دوم؛ جهانی شامل جهان فرهنگ و علم که ظرف مسائل و گزاره‌های عینی قابل نقد و دارای ظهور بین‌الذهانی و قابل صدق و کذب است (مبو، 1379: 360-346). در بیان پوپر، موجودات این جهان، ظرف تحقیقی و رای ذهن افراد دارند. موجودات جهان سوم، انتزاعی؛ اما واقعی‌اند. انتزاعی‌اند؛ چون هیچ ظرفی در هستی به خود اختصاص نداده‌اند. اما واقعی‌اند؛ چون از طریق جهان دوم بر جهان اول (افعال، رفتار و محیط) تأثیر می‌گذارند.

جهان سوم، نتایج به بیرون پرتاب شده افکار و ایده‌های جهان دوم به شرط تضارب و نقد است و اصولاً این فرایند توسط زبان به معنای عام آن، صورت می‌گیرد. برای مثال، محتوای یک اطلاعیه برای برگزاری

## 606 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

یک مسابقه فوتبال، یک پدیده جهان سوم و حضور هزاران نفر در استادیوم ورزشی، یک پدیده جهان اول است. (همان: 346؛ همو، 1372: 44-47؛ همو، 1371: 1051)

### دو آثار و لوازم جهان سوم در نظریه جامعه باز

1. هر چند وی به خاطر ارجاع ملاکات اخلاقی به حقایق جهان سوم که اموری انتزاعی و شخصی‌اند، منکر نسبت اخلاق است؛ ولی در عین حال به خاطر هویت بین‌الذنهانی و انتزاعی موجودات جهان سوم، معتقد به تنوع عقیده‌ها و ارزشها نیز می‌باشد (پلورالیسم معرفتی و اخلاقی و به تبع آن تساهل و تسامح). (همو، 1371: 106، 111-112، 224، 517)

2. چون موجودات جهان سوم در حال تکامل تدریجی بر اساس خردورزی انتقادی‌اند، پس اخلاق و دین و سایر علوم انسانی و دموکراسی و لیبرالیسم و حتی ریاضیات، نسبی و دارای امکان رشد عقلانی بشری‌اند (همان: 1304-1296). بر این اساس، راه حل مسئله «ابطال ذهن و عین» یا همان مسئله صدق، این است که گزاره صادق، آن است که محکی قابل نقد و نقض داشته باشد و نه صرفاً محکی عینی در جهان اول. (لازمه آن، نفی هر نوع تابو و امر مقدس به عنوان مشخصه جامعه بسته است). (همو، 1376: 180-174)

3. تکامل در جهان سوم به صورت ابری و نامنظم است و با هر تضارب ایده‌ای حاصل می‌آید؛ ولی در برابری کلی، دارای سیر تکاملی است (جامعه باز، آرمانشهر محتوم). (همو، 1371: 1057؛ همو، 1380: 465)

در هر حال، هستی‌شناسی پوپر، جمع بین ماتریالیسم و ایدئالیسم است که سنتز آن، جهانی مستقل (همان جهان سوم)؛ یعنی محصولات و فرآورده‌های انتزاعی بین‌الذنهانی است و تسری آن در فلسفه سیاسی، منتج به نظریه جامعه باز است. (همو، 1372: 48-44؛ همو، 1376: 44-43؛ همو، 1379: 360)

### 4. معرفت‌شناسی پوپر در خدمت نظریه جامعه باز

معرفت در اندیشه پوپر، «باور» به معنای گزاره عینی بین‌الذنهانی و جهان سومی است که صادق (به معنای نزدیک‌ترین نظریه به واقع) و موجه (به معنای قابل برای آزمونهای ابطال‌گر) است. بنابر این، در معرفت‌شناسی پوپر، ملاکی قطعی برای صدق و کذب یا صواب و خطای گزاره‌ها وجود ندارد (همو، 1374: 24-25؛ همو، 1371: 1277؛ همو، 1372: 337). حوزه معرفت‌شناسی در مباحث پوپر، مطلق است و ناظر به مبانی معرفتی علم ویژه‌ای نیست. از نظر او، مهم برای معرفت بودن، آزمون‌پذیری و سربلندی در مقابل نظریات معارض است. وی امکان ابطال حدسها را دلیل بر وجود فی‌الجملة واقعیت می‌داند؛ هر چند وصول به واقعیت را که به معنای وصول به یقین معرفتی و استحالة نقدپذیری است، محال می‌داند (همو، 1374: 24، 96، 107؛ همو، 1380: 23-26) و به تبع آن، وجود ملاکی یقین‌آور برای تمیز صواب و خطای معرفتی را منکر است و برای فرار از اتهام شکاکیت و نسبت معرفتی، ایده «امکان ترجیح بین معارف انسانی با توجه به میزان آزمون‌پذیری و قوت حدس و ابطالهای آن معارف» را عرضه می‌کند و در جواب این سؤال که «ارزش معرفتی مطلق خود این معیار از کجا به دست آمده؟» مخاطب را به همدلی و رجوع به وجدانش توصیه می‌کند. بدین ترتیب،

قاعده «رشد بر اساس آزمون و خطا» را علاوه بر سیر تکامل موجودات جهان هستی و بر سیر تکامل معرفتی نیز حاکم می‌داند و بنابر این، از نظر او معیارهای نهایی برای معرفت عبارتند از: میزان آزمون‌پذیری و عقل سلیم به معنای فهم عرفی (همو، 1380: 188-190، 244-260). از نظر وی، امکان و بلکه وقوع تشکیک در تمام معارف و علوم بشری، دلیل بر عدم اعتماد به هر منبع و روش معرفتی از جمله عقل و وحی و کشف بر کسب یقین است (همو، 1371: 1279-1274) و آنچه به عنوان امور یقینی و منطقی و حتی ریاضی شناخته می‌شود، برای اثبات یا استنتاج نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای کشف ملازمات عقلی و وسیله‌ای برای نقادی است؛ زیرا به نظر وی، تنها ملاک واقع‌نمایی، قابلیت رد و ابطال اختیاری و آمادگی برای نقد و نقض است (همو، 1376: 339-335). از نظر وی، ارزش تمام معارف، حتی بدیهیات و وجدانیات و وحی و حتی ریاضیات، در حد «حدس قابل ابطال» است و هر حدس و اسطوره و دانسته‌های جبلی و... می‌تواند منبع معرفت باشد، به شرط آنکه آزمون‌پذیر بوده و قابلیت نقد داشته باشد. (همو، 1380: 37، 188)

### 5. تناقضات موجود در فلسفه سیاسی پوپر

اندیشه سوسیالیستی پوپر: با وجود انتقاد پوپر از سوسیالیسم به خاطر فدا شدن آزادی در مقابل عدالت و مساوات در سوسیالیسم، اما وی در نهایت ضمن خطا گرفتن از آزادی مطلق، نوعی سوسیالیزه کردن لیبرالیسم برای انجام اصلاحات اجتماعی را پیشنهاد می‌کند. (پوپر، 1371: 1009-1008؛ خینی، 1379: 26، 53)

جواز خشونت و سانسور: او اعمال هرگونه خشونت و حرکت تند و حذفی و انقلابی را نکوهش می‌کند و به اصلاحات نرم و تدریجی و گام‌به‌گام تأکید می‌ورزد. اما برای جلوگیری از تناقض آزادی (آزادی برای انتخاب استبداد) و تناقض تساهل (تساهل در مقابل دشمنان جامعه باز)، بر ضرورت مداخله‌گری دولت در آنجا که مبانی لیبرالیسم در مخاطره باشد، تأکید می‌ورزد و برای آن حتی اعمال خشونت و جنگ و نیز سانسور تلویزیون و مداخله دولت در اقتصاد و فرهنگ و سیاست را مشروع می‌داند. (پوپر، 1371: 470، 957، 974؛ همو، 1388: 188)

تناقض دولت حداقلی و حداکثری: وی از سویی بر محترم شمردن آزادی‌های فردی تأکید دارد و با تأکید بر مبانی لیبرالیسم، به دولتمردان توصیه می‌کند که شر مرسانید، خیرخواهی و کمکتان پیشکش؛ در عین حال برای بسط و تحکیم لیبرالیسم، به مداخله دولت برای تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی و تصدی دولت بر حسب تشخیص خودش برای کاهش آلام، حفظ لیبرالیسم و رقابت آزاد تأکید می‌کند و در این راستا، شدیدترین سانسورها و کنترل رسانه‌های جمعی را حق حاکمیت لیبرال می‌داند. (همو، 1371: 529، 920، 1220)

آرمانشهر پوپری: هرچند وی وعده حکومت‌های توتالیتر برای ایجاد آرمانشهر اجتماعی و تاریخی را وعده‌ای ناکجاآبادی برای فریب مردم و رضایت ایشان به استبداد می‌داند، اما خود، رویای آرمان «جهانی شدن» یا «جهان‌وطنی» را در لوای ناتو و به رهبری آمریکا به عنوان مدینه فاضله در سر می‌پروراند. (همو، 1350: 83)

## 608 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

تناقض در الگوی شبکه قدرت: پوپر اصولاً با نظام حزبی و ائتلافی مبتنی بر انتخابات و اعطای کرسی به نسبت آرا، مخالف است و آن را مانع آزادی و باعث ترجیح منافع حزبی بر منافع توده مردم می‌داند؛ ولی در نهایت و معطوف به شبکه قدرت در آمریکا و انگلستان، به سیستم حکومتی دو حزبی متمایل می‌شود. (همر، 1380: 163-159)

### 6. نقد مبانی هستی‌شناختی جامعه باز پوپر

همان‌گونه که گذشت، منابع شناخت از دیدگاه پوپر، حس و تجربه، عقل فلسفی یا برهانی و... نیست؛ بلکه وی غایی‌ترین منبع معرفتی را عقل سلیم عرفی و پذیرش همدلانه می‌پندارد. حال پرسش این است که با عقل عرفی (ذوق و درک شخصی افراد) چگونه می‌توان جهان واقع و قوانین آن از جمله اصل علیت و... را شناخت؟ وقتی وی حس، تجربه و برهان را فاقد حجیت می‌داند، چگونه با عقل سلیم عرفی قادر به ابطال گزاره‌ای خواهد بود؟ هنگام اختلاف افراد در فهم و بیان ذوق شخصی و درونی‌شان چه باید کرد؟ با این مقدمه، تناقضات و ایرادات در نظریه هستی‌شناختی پوپر مبتنی بر فرض جهانهای سه گانه، به شرح ذیل است.

#### یک) ترکیب ایدئالیسم و رئالیسم در هستی‌شناسی پوپر

مفروض پوپر (نظریه جهانهای سه گانه) از نظر محتوا، به ترکیب ایدئالیسم و رئالیسم منتهی می‌شود؛ حال آنکه این دو ذاتاً با یکدیگر متضاد و غیر قابل جمع‌اند. پوپر به چندگانه‌انگاری هستی‌شناختی دچار شده است و علاوه بر جهان مادی فیزیکی و نیز جهان حقایق ذهنی، قائل به تحقق حقیقی جهان سوم است و ظرف تحقق آن را بین‌الذهان معرفی می‌کند. حال سؤال این است که این بین‌الذهان کجاست؟ آیا غیر از ذهن و عین، جهان واقعی دیگری هم داریم؟ وی حتی متأثر از کانت، فهم و علم به موجودات جهان (جهان اول) را ناممکن دانسته، وجود فی‌الجمله و مبهم آن را در آیینۀ تارنمای جهان سوم مقدر می‌داند و در نهایت به نوعی تکثر در واقعیت و تعمیم آن به جهان دوم و سوم معتقد است. بنابر این، فرجام اندیشه پوپر، به شکاکیت معرفتی ختم خواهد شد.

#### دو) تأثیر هستی‌شناسی پوپر از نظریه افلاطون و هگل با وجود تخطئه ایشان

با وجود تحقیر و تخطئه فراوان فرضیه مثل افلاطونی توسط او، به اقرار خود پوپر، نظریه هستی‌شناختی او و نقش محوری جهان سوم در میان جهانهای سه گانه، بسیار متأثر از نظر افلاطونی است و جهان سوم او اقتباسی از نظریه مثل افلاطون به عنوان مصداق معرفت اصیل است؛ هرچند پوپر با اتهام شهودگرایی به افلاطون، خود را از نظریه مثل افلاطونی مبرا می‌داند. همچنین، نظریه پوپر درباره جهان سوم متأثر از نظریه هستی‌شناختی ایدئالیستی هگل درباره روح عینی و مطلق است و این با وجود تخطئه و حتی فحاشی او علیه هگل است.

تناقض گویی پوپر دربارهٔ خالق جهانهای سه گانه: او وجود جهان هستی (جهان اول) را برای فرار از اتهام شکاکیت پذیرفته، ولی معیار وجود و اوصاف حقیقی آن را، ذهن در کنش با آرای دیگران (جهان سوم) می داند و به همین خاطر دربارهٔ خدا به عنوان خالق هستی تناقض گویی می کند. گاه خود را شاک در وجود خدا می داند و گاه معتقد به خدای ادیان.

عدم درک صحیح از محکی و نفس الامر: فیلسوفان مسلمان برای حل رابطهٔ ذهن و عین و تبیین محکی گزاره‌های صادقی همچون: «جتماع دو نقیض محال است» یا «شریک خدا وجود ندارد»، که تحقق عینی و حسی آنها در جهان هستی محال است، قائل به نظریهٔ نفس الامر شده و با توسعه در محکی و مطابق قضایا، واقعیت هر چیز را به حسب همان چیز دانسته‌اند و عالم را شامل امور وجودی و فرض عدم آن در ذهن و نیز امور باطنی و ظاهری و مادی و مجرد و ... دانسته‌اند. برخی قضایا در جهان محسوس محکی دارند و صادق‌اند، ولی در جهان ذهن همان قضیه کاذب است؛ برای مثال، قضیهٔ «یخ سرد است» که در عالم واقع محکی حقیقی دارد، اما مفهوم ذهنی یخ، سردی و گرمی ندارد. حال چون پوپر ظرف تحقق را ذهن یا عین می داند، برای توجیه محکی گزاره‌های بین‌الذهانی، به وجود جهان سومی قائل است که معلوم نیست ظرف تحقق آن کجاست! جالب آنکه آن را معیار تحقق دو جهان دیگر نیز می داند.

ابهام و تناقض در جهان سوم: موجودات جهان سوم پوپری یا جهان محصولات فکری - فرهنگی انسانی به خاطر تنوع خردورزی‌ها در افراد، دارای تنوع و تفاوت ماهوی‌اند. بنابر این، با توجه به اینکه جهان سوم پوپر جهانی مستقل و واقعی و غیر از اذهان انسانهاست، محتوای جهان سوم بسیار وسیع و حتی شامل محصولات متناقض و متعارض که استحاله در وجود و تحقق دارند نیز می شود.

امکان افزایش جهانها: جهان سوم پوپر شبیه جهان «محتوای عینی» فرگه است که از نظر او امکان افزایش تعداد جهانها وجود دارد؛ به خصوص آنکه پوپر تعیین دقیق محکی و مصداق گزاره‌های جهان سوم را محال می داند و از نظر او به تعداد فرهنگها و مسائل کلی جهان بشری می توان محکی قرار داد.

محال بودن تحقق جهان سوم: «وجود» یا در ذهن تحقق دارد یا در خارج از ذهن (عالم عین). فرض جهانی غیر از این دو، مستلزم قبول ارتفاع نقیضین است که بطلان و استحالهٔ آن از بدیهیات عقلی است.

تناقض گویی در اطلاق و نسبیت معرفتی و اخلاقی: فیلسوفان اخلاق با ارجاع گزاره‌های انشایی اخلاقی به گزاره‌های اخباری حاکی از حقایق عالم یا با تبیین میزان مقرب یا مبعد بودن افعال انسان به سمت کمال (پوپر، 1376: 48-53)، نسبیت و عدم ثبات در ملاکهای اخلاقی را باطل می کنند. پوپر نیز برای اثبات اطلاق گزاره‌های اخلاقی، نقدپذیری بین‌الذهانی موجودات جهان سوم را باعث مطلق‌گرایی معرفتی، اخلاقی و بطلان نسبیت معرفتی و اخلاقی می داند. اما با توجه به سلیقه‌ای بودن قبول یا رد انتقاد در جهان سوم، این ارجاع نیز در نهایت به شناوری و نسبیت ختم خواهد شد.

### 7. نقد فلسفه علم نظریه جامعه باز

از دیدگاه پوپر، «عقلانیت انتقادی» معیار مرزبندی علوم و میزان علمیت گزاره‌هاست و نیز اساسی‌ترین مؤلفه‌های جامعه باز از جمله: مهندسی تدریجی گام‌به‌گام با حذف آلام، آزادی بیان و اندیشه و دموکراسی منفی، صرفاً به معنای دادن نقش حذفی به مردم، مبتنی بر همین عقلانیت انتقادی است. تمام این لوازم سیاسی و اجتماعی بر پایه رأی او در فلسفه علم مبتنی بر معرفی روش «ابطال‌پذیری» به عنوان تنها ملاک علمی بودن گزاره‌هاست. حال، لوازم باطل چنین معیاری عبارتند از:

1. تساوق ابطال‌گرایی و پوزیتیویسم: اصالت تسمیه روش‌شناختی و نفی هر گونه جایگاه علمی برای تعریف‌گرایی و ذات‌گرایی در معرفت‌شناختی و نیز انکار علمی بودن قوانین و اصول قطعی فلسفی مانند اصل علیت و نیز انکار صدق و قداست گزاره‌های ماورایی و وحیانی به خاطر عدم ابطال‌پذیری تجربی آنها، ماهیتاً با اندیشه پوزیتیویسم تفاوتی ندارد و بایستی توجه داشت که خود این نظریه پوپر در اصالت تسمیه روش‌شناختی، قابلیت ابطال ندارد و با معیار ابطال‌پذیری طرح‌شده از سوی او، قابل نقد نیست؛ پس علمی نخواهد بود.
2. پوپر در عمل، معیار مشخصی برای معرفت ارائه نمی‌دهد و خود ملاک ابطال‌پذیری او نیز برای علمی بودن باید ابطال‌پذیر باشد!
3. هویت اثباتی همه آزمونهای ابطال‌کننده: او در کتاب «منطق اکتشاف علمی»، عینیت به معنای قابلیت مشاهده برای همگان را معیار علمی بودن معرفی می‌کند. حال سؤال این است که آیا خود این عینیت، هویتی اثبات‌کننده ندارد؟! بنابر این، انحصار علمیت در ابطال‌پذیری وجهی نخواهد داشت.
4. تناقض‌اندیشی در کسب یقین: وی از جهتی تحصیل یقین و معرفت روان‌شناختی در جانب ابطال را ممکن می‌داند؛ ولی تحصیل آن را در جانب اثبات ناممکن می‌داند!
5. عدم تفکیک بین علوم تجربی و علوم انسانی: وی ملاک ابطال‌پذیری را تنها ملاک علمی بودن دانسته و نقش اراده‌ها و لایه‌های عمیق وجود انسانی را که منشأ تعقل و تخیل و عواطف و احساسات انسانی‌اند، در تحلیل و علت‌یابی رفتارهای انسانی نادیده می‌گیرد. به عقیده هابرماس، در علوم انسانی روش تعامل دیالکتیکی برای اصلاح و تغییر تدریجی، مفیدتر از روش ابطال‌پذیری پوپر است. (39: 55-52)
6. اندیشه ایدئالیستی پوپر با وجود ادعای او: هرچند وی خود را رئالیست و واقع‌گرا می‌داند، اما معیار ابطال‌پذیری خود را در نهایت با تمنای «همدلی» و «ایمان به حجیت دریافت عقلهای بشری» اثبات می‌کند! به بیان خود او، چنین دریافت‌هایی به اندازه کوبیدن روی میز، ارزش معرفتی ندارد. (پوپر، 1372: 46؛ هور، 1380: ب: 13)
7. سیر تطور و تکامل فرضیه ابطال‌گرایی پوپر: وی ابتدا در کتاب «منطق مکاشفات علمی»، معیار ابطال‌پذیری بالقوه را برای علمی بودن گزاره‌ها ارائه می‌دهد؛ ولی به خاطر انتقادات وسیعی که بر آن وارد شد، مبنی بر اینکه چنین معیاری طیف وسیعی از قضایای خرافی و تخیلی را نیز شامل می‌شود، معیار

## 611 مهدی ایمانی مقدم وحمیدپارسانیا

«تقدپذیری عقلانی» به معنای عدم تعارض و تناقض منطقی و ذاتی در اجزا و مؤلفه‌های فرضیه را جایگزین ساخت و به جای ملاک علمیت، از ملاک عقلانیت سخن گفت که این خود رجوع به روش و مبانی فلسفی ثابت و کلی است که در وهله نخست، مورد انکار پوپر بود و آن را از دسیسه‌های توتالیترسم می‌دانست.

8. مناقشه در معیار ابطال‌پذیری: ابطال یقینی، ممکن نیست و می‌توان هر قضیه در معرض ابطال را با افزودن شروط فرضیه، از ابطال رهانید. برای مثال، اگر قضیه «الف» با فرض سه شرط (ب، ج، د) در معرض ابطال باشد، می‌توان با افزودن شرط فرضی (ه) مدعی شد که قضیه با وجود آن هنوز هم پا برجاست.

9. تساوی اعتبار معرفتی علم و خرافه: طبق «معیار ابطال‌پذیری بالقوه» که پوپر در کتاب «منطق اکتشافات» مطرح می‌کند، گزاره‌های علمی همان مقدار از علمیت برخوردارند که گزاره‌های خرافی نیز! هر چند او برای فرار از این اشکالات شرط مادی و دنیوی بودن، غیر جزمی بودن را نیز اضافه می‌کند؛ ولی این شروط نیز نمی‌تواند اشکال فوق را رفع کند.

10. ملاک «ابطال‌پذیری تجربی» پوپر، تأیید پوزیتیویسم: برخی از اصحاب مکتب انتقادی فرانکفورت، از جمله آدرنو، معتقدند که اندیشه خردورزی انتقادی و ابطال‌گرایی پوپر که مستلزم استحاله کسب معرفت کلی و تفکیک معرفت به قطعه‌های جداگانه است، عملاً بر بستر تجربه صرف قابل تبیین است؛ در حالی که پوپر مخالفت خود را با آمپریسم و پوزیتیویسم تجربی به خاطر اعمال روش استقرایی و اثبات‌گرایی تجربی، به تکرار ابراز می‌دارد.

11. عدم ابتدای همیشگی مشاهده‌ها بر فرضیه‌ها: پوپر با رد «دلوی بودن ذهن» به معنای انفعال آن از داده‌های حسی، بر نظریه «نورافکن بودن ذهن» به معنای کنش متقابل ذهن با خارج تأکید می‌ورزد و با تأثیرپذیری از نظریه معرفتی کانت، پیش‌فرضها و انتظارات فرد را باعث معرفت و انجام آزمون و مشاهده برای ابطال فرضیات رقیب تلقی می‌کند (پوپر، 1372: 390-396). نکته اینجاست که گاه ذهن بدون هیچ سابقه قبلی و پیش‌فرضی و در نتیجه یک تصادف و جرقه ذهنی به تعمق و تفکر و در نهایت به کشف علمی نایل می‌آید، آنگونه که نیوتن از سقوط یک سیب پی به نیروی جاذبه زمین برد.

## 8. نقد اندیشه سیاسی پوپر (لیبرال دموکراسی منفی)

نظام سیاسی مطلوب پوپر مبتنی بر مبانی فلسفی اوست و با نقد آن مبانی، مبانی نظری نظام سیاسی مطلوب وی مخدوش می‌شود. سایر انتقادات بر نظریه سیاسی وی عبارتند از:

1. هرچند پوپر مخالف دگم‌اندیشی و تقدس‌زایی برای هرگونه مکتب و اندیشه و نظام است (پوپر، 1371: 378-389)، ولی «لیبرال دموکراسی» برای او تقدسی ویژه دارد و خود به مثابه ایدئولوژی (به معنای مشحون بودن آن به ارزشها و امر و نهی‌های لایتغیر و تأثیرپذیری رصین آن امر و نهی‌ها از آموال و فرضیات و اجازه اعمال خشونت برای صیانت از آن) است و تا آنجا به حقانیت آن جزم دارد که اعمال جنگ و خشونت و

## 612 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

سانسور و... را برای حفظ و بقای آن لازم می‌شمرد؛ در حالی که داشتن باور ایدئولوژیک را مشخصه جامعه بسته و مانع نقدپذیری و اصلاح می‌داند. (همان: 934، 1136)

2. نظریه جامعه باز، وسیله توجیه استعمار و استثمار ناتو: او در کتاب «جامعه باز»، هگل را به خاطر سرسپردگی و تلاش برای توجیه حاکمیت پروس، مستحق فحاشی و اهانت می‌داند (همان: 689-686)؛ اما خود شاعر تقدس‌زدایی و انتقاد و نفی را کنار می‌گذارد و از ابراز دل‌بستگی و شیفتگی‌اش به ساختار فرهنگی و سیاسی حاکم بر اروپای غربی و ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو ابایی ندارد و خطاب به مخالفان ایشان، زبان به توهین می‌گشاید و با یکسان‌انگاری جامعه باز با نظام فعلی حاکم بر غرب، مخالفان ایشان را «بی‌خردان تمامیت‌خواه» و «خیانتکار» خطاب می‌کند (همو، 1380: 50، 65، 98، 165). وی برای تطهیر جنایت هولناک استفاده آمریکا از بمب اتمی در کشتار مردم ژاپن می‌گوید: «آنها (آمریکایی‌ها) اصولاً نمی‌دانستند آیا بمب واقعاً عمل خواهد کرد و منفجر خواهد شد یا نه!» (همو، 1350: 81) و نیز می‌گوید: «فقط به خاطر وجود خطر دستیابی آلمانها به چنین سلاحی (بمب اتمی) و فقط تحت چنین فشاری بود که آمریکایی‌ها بمب اتمی را ساختند. به این دلیل، در اصل، بمب اتمی ارثیه هیتلر است» (همان: 79). این خودباختگی تا آنجا پیش می‌رود که برای تطهیر گذشته آمریکا، کشتار سرخپوستان قاره آمریکا توسط مهاجران اروپایی را تلاشی انسان‌دوستانه برای از بین بردن برده‌داری توصیف می‌کند! (همان: 107)

3. حاکمیت توتالیتریزم در جامعه باز: وی در تبیین حد آزادی، دخالت دولت را در هر جا که منافع شخص ثالث - هرچند غیر مستقیم - یا منافع جامعه لیبرال در مخاطره باشد، ضروری می‌داند (همو، 1380: 68، 61:11) و این همان توجیهی است که حاکمیت‌های توتالیتر و در تعبیر پوپر، «حاکمان جامعه بسته» برای سرکوب مخالفان از آن استفاده می‌کنند.

4. نادیده گرفتن نقش و رأی مردم: هرچند دموکراسی منفی عنوانی است که از سوی پوپر برای حفظ اصول لیبرالیسم سیاسی تکرار می‌شود، اما او با این عنوان به صراحت نقش اراده مردم در تثبیت حکومت و انتخابات به نسبت آرا را انکار می‌کند و نیز با تمجید از نظام دو حزبی ایالات متحده (پوپر، 1350: 67، همو، 1380: 166) عملاً آزادی «نه گفتن» مردم به این دو حزب را از مردم سلب می‌کند.

5. هویت انقلابی نظریه جامعه باز در جوامع غیر لیبرال: هرچند پوپر بر اصلاحات گام‌به‌گام و تدریجی تأکید داشته و انقلاب و تغییرات بنیادین را زیان‌آور و دارای نتیجه معکوس می‌داند، اما خود اذعان دارد که اصول جامعه باز در بسیاری از ساختارهای حکومتی، بروز براندازانه دارد. وی گاه به این ویژگی اقرار می‌کند: «اگر قرار باشد سیستم (نظام کمونیستی شوروی) اصلاح شود، باید در اساس خود کاملاً دگرگون شود». (همو، 1350: 60)

6. ابهام در ملاک لذت و آلم، در هدف‌گذاری برای حکومتها: او اصلی‌ترین رسالت دولت پدرسالار رفاه‌طلب را کاهش آلام به جای تلاش برای خیررسانی می‌داند. حال سؤال این است که اولاً، کاهش آلام نوعی خیررسانی است؛ برای مثال، کاهش تورم به معنای افزایش قدرت خرید مردم است که برای تحقق



### 613 مهدی ایمانی مقدم و حمید پارسانیا

آن باید دهها اقدام اثباتی از سوی حاکمیت و مردم صورت پذیرد. ثانیاً، معنا و مصداق الم و خیر چیست؟ آیا الم و لذت حیوانی ترجیح دارد یا معنوی و اخلاقی؟ تماشای دریده شدن یک مسیحی در استادیوم رم باستان برای رومیان، پر از هیجان و لذت بود و تعطیلی آن رنج آور و ملال آور! آیا رفع این الم هم در حوزه اهداف حکومت توجیه پذیر است؟ معیار ترجیح و اولویت گذاری بین آلام و لذات، هنگام تعارض آلام چیست؟! با معیارهای ارائه شده از سوی پوپر نمی توان پاسخی به این سؤالات داد.

### د) تعریف و مؤلفه های جامعه مردم سالار دینی

«مردم سالاری دینی» پیش از آنکه به عنوان یک شیوه حکومت داری باشد، نوعی خاص از سبک زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مردم جامعه ای است که حقانیت همه جانبه و سعادت بخشی دینی خاص را پذیرفته اند؛ به گونه ای که تحقق نظام سیاسی و قانون گذاری و اجرا در چارچوب آن دین، مورد تأیید و مطالبه مردم است. بنابر این، در مردم سالاری دینی؛ خواست مردم، شکل حکومت و اسلام، روح و محتوای آن است (ر.ک: 35: 157، 28: 53، 65: 7). با توجه به اینکه عموم ادیان موجود، به جز اسلام، توصیه به رهبانیت داشته و ورود به سیاست را از مظاهر دنیاخواهی می دانند، تحقق مردم سالاری دینی تنها در اسلام راستین ممکن است. بنابر این، در مردم سالاری دینی (= اسلامی)، مردم بر اساس رأی آزاد خود، حاکمیت مطلق خداوند را بر همه ارکان زندگی سیاسی و اجتماعی خود پذیرفته اند و به بیانی دیگر؛ خواست خود را در طول اراده الهی قرار داده اند (ر.ک: 17: 63، 164). آیات قرآن کریم و سیره و سنت حضرات معصومین (ع) و نیز توصیه و عمل زعیمان شیعه، بر اهتمام به اجرای احکام و حدود اجتماعی، اجرای عدالت، جهاد برای غلبه اسلام و جلوگیری از استیلای کفر و شرک بوده و هست؛ بنابر این، در منابع اسلامی، سیاست به معنای تدبیر عادلانه نفوس و منابع و زمان فهمی و دشمن شناسی برای تعالی بخشی همه جانبه به انسان، روح اسلام و از مهم ترین وظایف انبیا و اولیای الهی شمرده شده است (حدید: 25؛ مفاتیح الجنان: زیارت جامعه کبیره). بنابر این، مردم سالاری دینی تنها در قاموس اسلام در قرائت عقلانی اهل بیت (ع) فرض تحقق دارد؛ اینکه اراده اکثریت مردم مسلمان در کشور و بلکه در امت اسلام، بر اینکه اسلام معیار نهایی برای حدود و ثغور قانون و حدود اختیارات حاکمان باشد؛ اینکه اراده آزاد مردم، تعریف و چارچوب کلی آزادی، استقلال، عدالت و نحوه مشارکت سیاسی مردم و مسئولان حکومتی برگرفته از تعالیم وحی الهی باشد؛ این قبول که از آن به «بیعت» نامبرده می شود، در گام اول به طور صریح توسط مردم ابراز و در انتخابات بعدی به طور ضمنی تجدید می شود. در این نگاه، تحقق بسیاری از احکام و آرمانها و سعادت بخشی دین، منوط به قبول و مشارکت عموم مردم است (35: ج 8: 171) و نیز شرافت و آزادی واقعی مردم، در عمل به دین فرض شده است (ر.ک: 34 و 35: ج 8: 56، 28: 53). بر این اساس، هستی شناسی نظریه مردم سالاری دینی، همان اصول اعتقادی اسلام؛ یعنی بر قبول وجود خداوند و توحید ربوبی و تشریحی و عبادی و حبیبی او (انعام: 57) و انسان شناسی آن

## 614 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الهی

بر مخلوقیت و بندگی انسان برای خداوند استوار است و شرافت انسان به خلافت الهی اوست (ذاریات: 56؛ بقره: 30). بنابر این، سرسپرده‌ترین و عبدترین افراد، شایسته حاکمیت‌اند (نبیاء: 105) و بقای این حاکمیت، منوط به دوام این سرسپردگی است (زمر: 11-13). هدف مردم‌سالاری دینی، تکامل و سعادت‌بخشی ابدی به همهٔ آحاد امت اسلامی، در سایهٔ قبول ولایت الهی است (ساء: 175) و معرفت‌شناسی آن، ضمن قبول اعتبار تجربه (نحل: 78)، البته تحت تدبیر و قضاوت عقل، بر پایهٔ اطلاق و اعتبار معرفتی وحی و سنت و سیرهٔ معصومان (ع) و نیز اعتبار عقلِ مبدء و معاد بین و سیره و اعتبار تجربهٔ عقلا استوار است و همین منابع، معیار تشریح و تقنین در جامعهٔ دینی قرار می‌گیرد.

بنابر این، بر خلاف انحصارطلبی پوپر در نظریهٔ جامعهٔ باز و ضرورت لیبرال دموکراسی منفی به عنوان غایت حتمی و جواز اعمال هرگونه خشونت و جنگ و سانسور برای حفظ آن، در جامعهٔ مردم‌سالار دینی، مردم علاوه بر حق انتخاب حاکمان، در نگاهی کلی‌تر و با انتخاب اسلام، حق انتخاب حاکمیت اسلامی را نیز دارند و در راستای حفظ آن، نه خود حق تجاوز از مسیر عدالت و عقلانیت و تقوا را دارند و نه به حاکمان چنین اجازه‌ای را می‌دهند. در چنین نگاهی، حکومتداری نه یک شر ضروری، آنچنان که در نظریهٔ جامعهٔ باز مطرح شده، بلکه تکلیفی الهی است که توسط انسانهایی شایسته، برای تحقق عدالت و تعالی جامعه پذیرفته می‌شود؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید سوگند! که اگر دعوت و حضور این انبوه بیعت‌کنندگان نبود، و اگر آمادگی یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کرد، و اگر خدا از دانشمندان و اصلاحگران پیمان نگرفته بود تا ستمکاران شکمباره را برتابند و به یاری و نجات ستمدیدگان و گرسنگان بشتابند، بی‌گمان همچنان رشتهٔ کار را و می‌نهادم و پایانش را بسان آغازش می‌انگاشتم» (1: 256). در نتیجه، رکن رکن مردم‌سالاری دینی، شایسته‌سالاری است؛ امام علی (ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند! هرگز در تدبیر امور جامعه، معاویه را بر پستی که به ناروا به او سپرده‌اند نخواهم گماشت، و من در سبک و سیستم خویش چنین نیستم که همراه‌گران و ظالمان و تاریک‌اندیشان را به همکاری و همراهی برگزینم». (مفاتیح‌الجنان: 34)

در مردم‌سالاری دینی، حرص بر قدرت و ثروت و جاه‌طلبی، مذموم و نشانهٔ عدم شایستگی برای منصب حکومتی است. امام حسین (ع) در بیان فلسفهٔ قیام سیاسی خویش می‌فرماید: «خدایا! تو خود می‌دانی که آنچه از سوی ما اظهار و انجام می‌شود، نه برای رقابت در قبضهٔ قدرت و به دست آوردن پست و مقام است و نه به انگیزهٔ دستیابی به ثروت و دارایی این دنیا؛ بلکه هدف این است که نشانه‌های دین راستین و نجات‌بخش تو را به جایگاه خود بازگردانیم و شهر و دیار بندگانت را از تباهی و بیداد و فریب اصلاح کنیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات به نعمت امنیت و آسایش برسند و به آزادی و حقوق اساسی و انسانی خویش نایل آیند» (تحف‌العقول: 239). همچنین مرقوم می‌دارند: «من نه به انگیزهٔ خودخواهی و راحت‌طلبی قیام کرده‌ام و نه خوشگذرانی و نه برای تباهی و بیداد، بلکه در این اندیشه‌ام که امور جامعه و امت نیای گرانقدرم را اصلاح کنم و آنها را بزدایم» (مفاتیح‌الجنان: 34). می‌توان مؤلفه‌های مردم‌سالاری دینی را از مفاد پیمان‌نامهٔ

615 مهدی ایمانی مقدم و حمید پارسانیا

حضرت مسلم بن عقیل، سفیر امام حسین (ع) با مردم کوفه، این گونه استنتاج کرد: 1. عمل به مقررات خدا و سبک و سیره پیامبر؛ 2. پیکار با ستم و ستمکاران؛ 3. دفاع از محرومان و ستم‌دیده‌گان؛ 4. تأمین حقوق و آزادی و امنیت پایمال‌شده مردم؛ 5. یاری‌رسانی به خاندان پیامبر در راه اصلاح جامعه؛ 6. زندگی مسالمت‌آمیز و همزیستی با کسانی که در اندیشه آن باشند. (همان: 36)

بنابر این، مردم‌سالاری دینی هم در شکل، هم در نحوه توزیع قدرت و هم در مبانی فلسفی با جامعه باز تفاوت‌های بنیادی دارد. می‌توان مؤلفه‌های بنیادین جامعه باز پوپری و جامعه مردم‌سالاری دینی را به شکل جدول ذیل مقایسه کرد:

مبانی مقبولیت	مبانی مشروعیت حکومت	انسان‌شناسی	معرفت‌شناسی و فلسفه علم	هستی‌شناسی	راه و هدف	
مقبولیت مردمی حکومت نه مفید و نه ممکن، سلب حق انتخاب و نظارت	دموکراسی منفی: مشروعیت همه حکومتها مشروط بر قدرت مردم در سرنگون کردن حاکمان	انسان‌شناسی: او مانسیم: اعطای حق نفی به فرد انسانی «لیبرال» سم منفی»	شک‌گرایی و استحاله کسب معرفت و انحصار ملاک معرفتی در میزان ابطال‌پذیری تجربی با عقل ابزاری آلم‌گریز (ملاک غایی: همدلی، نفی تقدس و تعبد	جمع ماتریالیسم و ایدئالیسم: جهانهای سه‌گانه بدون فرض مبدا و معاد (سکولاریسم)	کاهش آلام مادی در پرتو اصلاحات تدریجی مادی	جامعه باز
قوام حاکمیت در پذیرش «بیعت» و حضور مردم و نظارت ایشان بر حاکمان «امر به معروف و نهی از منکر»، «شور»	انحصار حق حاکمیت برای خدا در چارچوب ولایت تشکیکی او، تکلیف و تقدس پذیرش حکم ولی به مثابه حکم الله	انسان مکلف، خلیفه خداوند است. همه حقوق انسانی (فردی، سیاسی و... در پرتو بندگی او برای خداوند	امکان بلکه ضرورت کسب معرفت از راه تجربه، عقل، شهود و وحی (ملاک غایی: عقل و علم حضوری)	جهان مخلوق خدا و تحت هدایت تکوینی الاهی و انحصار هستی در جهان ذهن و عین و عین الربط بودن آندو به خدا	تعالی معنوی فرد و جامعه انسانی و سعادت ابدی ایشان در پرتو فراهم ساختن اسباب مادی و معنوی برای بندگی خدا و جهاد برای رفع دفعی یا تدریجی موانع روحی و ظاهری این تعالی	مردم‌سالاری دینی

### ه) بحث و نتیجه گیری

تبیین فلسفی نظریه جامعه باز و چگونگی ابتدای نظریه جامعه باز بر هستی‌شناسی جهانهای سه‌گانه، معرفت‌شناسی حدسی و ابطال‌گرا و استدلال بر بطلان این مبانی، همچنین تبیین نقاط تقابل نظریه با نظریه جامعه معتدل دینی، محتوای اصلی تحقیق حاضر است. عنوان «جامعه باز و دشمنان آن»، خود کاربست مغلطه «تقسیم دو شقی» است؛ زیرا طبق آن، همه مخالفان نظریه جامعه باز، لزوماً موافقان جامعه بسته یا توتالیترسیم فرض شده‌اند. نظریه جامعه معتدل دینی ضمن رد استبداد و توتالیترسیم و دگم‌اندیشی و مبهم‌گویی و عدم تساهل و مدارا و...، هم در مبانی و هم در مؤلفه‌ها و هم شکل و سیاق حکومت، نظریه جامعه باز پوپری را به چالش می‌کشاند و در مقابل، نظام هستی‌شناختی توحیدی و معرفتی یقین‌محور عقلانی - وحیانی متناسب با آن را طرح‌ریزی می‌کند. به خاطر تقابل بسیاری از مؤلفه‌ها و مبانی این دو نظریه، نقد و طرد مبانی نظریه جامعه باز می‌تواند مؤیدی بر نظریه جامعه معتدل دینی محسوب شود.



## منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه.
- مفاتیح الجنان.
- تحف العقول (ترجمه احمد جنتی).
- آقا جمال خوانساری، محمد، «شرح بر غرر الحکم و درر الکلم» دانشگاه تهران، ج ۱۳۶۶، ۶
- ابطحی، عبدالحمید، «عقلانیت معرفت؛ از دیدگاه علم‌شناسی پوپر؛ به سفارش کانون اندیشه‌ی جوان»، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، 1378.
- ابن نما حلی، جعفر بن محمد «در سوگ امیر آزادی (ترجمه مثیر الاحزان)، مترجم: علی کرمی، قم، نشر حاذق، 1381
- 8: احمدی، بابک، «مدرنیته و اندیشه انتقادی» نشر مرکز، تهران، چاپ اول، 1372
- ادموندز، دیوید و آیدینو، «ویتکنشتاین، پوپر و ماجرای سیخ بخاری؛ ده دقیقه جلدل میان دو فیلسوف بزرگ»، ترجمه‌ی حسن کامشاد، نشر نی، تهران، چاپ سوم، 1386.
- براون، استوارت و کالینسون، دایان و ویلکینسون، رابرت، «صد فیلسوف قرن بیستم»، ترجمه‌ی عبدالرضا سالار بهزادی، انتشارات ققنوس، تهران، چاپ دوم، 1383.
- بشریه، حسین (1376). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: نی.
- بشریه، حسین (1384). گذار به دموکراسی: مباحث نظری. تهران: نگاه معاصر، چ دوم.
- بشریه، حسین (بی‌تا). لیبرالیسم و محافظه‌کاری (تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم). چ دوم.
- بوستی، جیانکارلو، «درس‌های قرن بیستم، دو مصاحبه و دو گفتار منتشر نشده از کارل پوپر» ترجمه‌ی هرمز همایون‌پور، نشر فرزانه، تهران، چاپ اول، 1379
- پوپر، کارل (1371). «آزادی و نظریه جهانهای سه‌گانه». ترجمه احمد نراقی. کیان، سال دوم، ش 90.
- پوپر، کارل (1379). اسطوره چارچوب در دفاع از علم و عقلانیت. ترجمه علی پایا. تهران: طرح نو.
- پوپر، کارل (1380). انقلاب یا اصلاح: مصاحبه با هربرت مارکوزه و کارل پوپر. ترجمه ه. وزیری. تهران: خوارزمی، چ چهارم.
- پوپر، کارل (1380/ب). جامعه باز و دشمنان آن. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: خوارزمی، چ سوم.
- پوپر، کارل (1380/ج). جست‌وجوی همچنان باقی. ترجمه سیامک عاقلی. تهران: گفتار.
- پوپر، کارل (1376). درس این قرن، همراه با دو گفتار درباره آزادی و حکومت دموکراتیک؛ مصاحبه جیانکارلو بوستی با کارل پوپر. ترجمه علی پایا. تهران: طرح نو.
- پوپر، کارل (1374). شناخت عینی؛ برداشت تکاملی. ترجمه احمد آرام. تهران: علمی و فرهنگی.
- پوپر، کارل (1350). فتر تاریخ‌گرایی. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی.

618 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه‌باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

- پوپر، کارل (1388). **منطق اکتشاف علمی**. ترجمه سید حسین کمالی. تهران: علمی و فرهنگی، ج چهارم.
- پوپر، کارل (1384). **می دانم که هیچ نمی دانم: گفت و گوهایی در باب سیاست، فیزیک و فلسفه**. ترجمه پرویز دستمالچی. تهران: ققنوس.
- پوپر، کارل (1372). **واقعی گری و هدف علم**. ترجمه احمد آرام. تهران: سروش.
- پوپر، کارل، «آینده بازااست»، مصاحبه در آشرنگ و متن گفت و گوهای همایش "پوپر" در وین، مدیر نشر فرانتس: کروتز، کارل پوپر، کنراد لورنتز»، ترجمه‌ی عباس باقری، نشر علم، تهران، 1383.
- پوپر، کارل ریموند، «تاکجاآباد و خشونت، گفتارها و گفت و گوها باز کارل ریموند پوپر»، به انتخاب و ترجمه خسرو ناقد و رحمان افشاری، جهان کتاب، تهران، 1388.
- پوپر، کارل، «جست و جوی ناتمام»، ترجمه‌ی ایرج علی آبادی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب، تهران، 1369.
- پوپر، کارل، «جهان باز؛ برهانی در تأیید نامعین گری: جزء دوم از پی نوشت بر منطق اکتشاف علمی»، ترجمه‌ی احمد آرام، سروش، تهران، 1375.
- پوپر، کارل، «حدس‌ها و ابطال‌ها؛ رشد شناخت علمی»، ترجمه‌ی احمد آرام، نشر انتشار، تهران، 1363.
- پوپر، کارل، «آزادی و مسئولیت روشنفکران»، ترجمه‌ی زعیم، انتشارات ایران مهر، تهران، 1389.
- پورفرد، مسعود، «مردم سالاری دینی»، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1384.
- جونز، و ت، «خداوندان اندیشه سیاسی»، ترجمه علی رامین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، 1358.
- جهانگللو، رامین، «در جست و جوی آزادی، گفت و گو با آیزایا برلین»، ترجمه خجسته کیا، نشر نی، تهران، 1378.
- جهانگللو، رامین، «تقد عقل مدرن، (گفت و گوهایی با اندیشمندان امروز جهان)»
- چالمز، آلف (1373). **علم چیست؟ نظریه‌های تازه درباره فلسفه علوم پوپر، کوهن، لاکاتوس، فایرانید**. ترجمه محمد مشایخی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حاجی صادقی، عبدالله، «فلسفه و نظام سیاسی اسلام»، زمزم هدایت، قم، 1383.
- خامنه‌ای، سید علی (1379). **بیانات در دیدار اعضای شورای دفتر تحکیم وحدت**. 13 دی.
- خمینی، امام (روح الله (1379). **صحیفه نور، ج 4**. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- داوری اردکانی، رضا، «کارل پوپر در ایران: فلسفه و سیاست»، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، 1378.
- داوری اردکانی، رضا، «سیری انتقادی در فلسفه کارل پوپر»، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، 1379.
- دریایی، محمدرسول، «لیبرالیسم کعبه آمل غربزدگان»، انتشارات بنیاد شهید انقلاب اسلامی، تهران، 1362.
- رابرت، هولاب (1378). **یورگن هابرماس؛ نقد در حوزه عمومی، معادلات فلسفی هابرماس با پوپری‌ها، گادامر، لومان، لیوتار، دریدا و دیگران**. ترجمه حسین بشریه. تهران: نی، ج دوم.

مهدی ایمانی مقدم و حمیدپارسانیا ♦ 619

- ربانی گلپایگانی، علی، «آزادی و دموکراسی از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم»، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی، مذاهب اسلامی، قم، 1382.
- ردهد، «از افلاطون تا ناتو»، ترجمه مرتضی کاخی، انتشارات آگاه، تهران، چاپ اول، 1373.
- زرنشاس، شهریار، «شاراتی درباره لیبرالیسم در ایران»، انتشارات کیهان، تهران، چاپ دوم، 1377.
- زکریا، فرید، «آینده آزادی: اولویت لیبرالیسم بر دموکراسی»، ترجمه امیرحسین نوروزی، طرح نو، تهران، 1384
- سخاوتی، نصرالله؛ «سلام و دموکراسی»، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، قم، 1383
- شفیعی، علی رضا، «شکاف اجتماعی و انحطاط در جامعه آمریکا»، نشر اعتدال، تهران، چاپ اول، 1384.
- شاهدی، غفار، «هبانی کلامی حکومت دینی»، نشر معارف، قم، 1390
- شیرمر، جرمی، «اندیشه‌های سیاسی کارل پوپر»، ترجمه عزت‌الله فولادوند، طرح نو، تهران، 1377.
- صدیقین، علی رضا، «نقد انتقادات پوپر بر افلاطون و ارسطو با محوریت دموکراسی»، کانون پژوهش، اصفهان، 1383.
- عنایت، حمید، «بنیاد فلسفه سیاسی در غرب»، انتشارات دانشگاه، تهران، چاپ دوم، 1351.
- فولادوند، عزت‌الله، «خرد در سیاست»، طرح نو، تهران، چاپ اول، 1377.
- لوین، اندرو، «طرح و نقد نظریه لیبرال دموکراسی»، ترجمه سعید زیباکلام، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، 1380.
- مایکل لسناف، ایچ، «فیلسوفان سیاسی قرن بیستم»، ترجمه خشایار دیهیمی، نشر کوچک، تهران، چاپ اول، 1378.
- مصباح یزدی، محمد تقی، «اخلاق در قرآن» نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، 1376
- مگی، برایان، «پوپر»، ترجمه منوچهر بزرگمهر، انتشارات خوارزمی، تهران، چاپ اول، 1359.
- مگی، برایان، «سرگذشت فلسفه»، ترجمه حسن کامشاد، نشر نی، تهران، چاپ اول، 1387.
- مهاجری، مسیح، «لیبرالیسم؛ نژادپرستی و استعمار جدید: به ضمیمه چهار مقاله دیگر»، نشر اوج، تهران، 1359.
- نواک، جورج، «فلسفه تجربه‌گرا: از لاک تا پوپر»، ترجمه پرویز بابای، نشر آزاد مهر، تهران، 1384.
- یاروی، ایان و پرالانگ، ساندر، «جامعه‌ باز پوپر پس از پنجاه سال؛ تداوم موضوعیت بحث پوپر»، ترجمه مصطفی ونسی، نشر مرکز، تهران، 1383.
- فهرست مقالات
- بخشی‌پور رودسری، عباس، «هوسرل در نگاه پوپر»، مجله کیهان فرهنگی، شماره 79، سال هشتم، دی ماه 1370.
- جمیز، راجر، «پوپر و آگاهی»، ترجمه عباس اسفندیاری، مجله کیان، شماره 40، سال چهارم، بهمن و اسفند 1373.
- حقدار، علی اصغر، «رهیافت فکری کارل پوپر»، مجله کیهان اندیشه، شماره 51، آذر و دی 1372.
- حقدار، علی اصغر، «متافیزیک از دیدگاه پوپر»، مجله کیهان اندیشه، شماره 47، فروردین و اردیبهشت 1371.
- صلواتی بیسه، مینا (1393). «مردم‌سالاری دینی در رویکرد مقایسه‌ای». مجموعه مقالات سومین همایش ملی نظریه پردازی مردم‌سالاری دینی. به کوشش سید محمدرضا مرنندی. قم: نشر معارف.

620 ♦ بررسی و نقد مبانی نظریه جامعه باز پوپر با نظر به مبانی جامعه معتدل الاهی

- عرب، میهن، «نقد و بررسی متولوژیک در فلسفه دکارت و آراء پوپر»، مجله حکمت و فلسفه، شماره مسلسل 20، سال پنجم، شماره چهارم، زمستان 1388.
- فرزانه، عبدالحمید و محمد جهانبخش (1393). «مقایسه مبانی نظری مردم‌سالاری دینی با دموکراسی». مجموعه مقالات سومین همایش ملی نظریه پردازی مردم‌سالاری دینی. به کوشش سید محمدرضا مرندی. قم: نشر معارف.
- قشقاچی، حسین، «نگاهی به ابطال‌گرایی پوپر»، مجله اطلاعات، حکمت و معرفت، شماره 1-12، سال اول، اسفند 1384 تا بهمن 1385.
- کجوییان، حسین و مجید فولادیان (1386). «فلسفه علوم اجتماعی از دیدگاه پوپر». پژوهش‌های فلسفی - کلامی، سال نهم، ش 2 (پیاپی 34).
- کمالی، حسین، «گفت‌وگوی کیان با کارل پوپر» مجله کیان، شماره دوره 10، سال پنجم، آذر - اسفند 1371.
- واتکینز، جان، «اصلاح نو پوپری آراء پوپر»، ترجمه حسن میانداری، مجله دانشگاه انقلاب، شماره 108-109، بهار 1376.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی، «پوپر، اقتصاد اثباتی و منطق اکتشاف علمی - اجتماعی»، مجله‌نامه مفید، شماره پنجم، سال دوم، بهار 1375
- **The Holy Quran**
- **nahjolbalaqe (Peak of eloquence)**
- **Mafatih aljanaan (The keys of Paradise)**
- The Gift of Minds (translated by Ahmad Jannati)
- Mr. Jamal Khansari, Mohammad, "Explanation on Gharr al-Hakam and Darr al-Kalam" University of Tehran, vol.
- Abtahi, Abdolhamid, "The Rationality of Knowledge; From Popper's Scientific Perspective; By the order of the Young Thought Center ", Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought, Tehran, 1999.
- Ibn Nema Hali, Ja'far ibn Muhammad "In mourning for Amir Azadi (translated by Mathir al-Ahzan)"
- Ahmadi, Babak, "Modernity and Critical Thought", Markaz Publishing, Tehran, first edition, 1993
- Edmunds,, David and Aidino,, "Wittkenstein,, Popper and the story of the skewer; Ten minutes of debate between two great philosophers ", translated by Hassan Kamshad, Ney Publishing, Tehran, third edition, 2007.
- Brown,, Stuart and Collinson,, Diane and Wilkinson,, Robert,, "One Hundred Philosophers of the Twentieth Century", translated by Abdolreza Salar Behzadi, Phoenix Publications, Tehran, second edition, 2004.
- Boshriyeh, Hossein, "History of Political Thought in the Twentieth Century", Ney Publishing, Tehran, 1997.



- Boshrieh, Hussein (No Date). **Liberalism and Conservatism (History of Twentieth Century Political Thought)**. Second Edition.
- Boshrieh, Hossein (2005). **Transition to Democracy: Theoretical Issues**. Tehran: Contemporary View Publishing, Second Edition.
- Bosti, Giancarlo, "Lessons of the Twentieth Century, Two Interviews and Two Unpublished Speeches by Karl Popper"; Translated by Hormoz Homayounpour, Farzan Publishing, Tehran, First Edition, 2000
- Chalmes, Allenf (1994). **What is science? New Theories on the Philosophy of Science Popper, Cohen, Lacatus, Firanid**. translated by Mohammad Mashayekhi. Tehran: Publishing Company.
- Popper,, Karl,, "The Future is Open," Interview in Asberg and the Text of the Proceedings of the "Popper" Conference in Vienna, "Franz Publishing Director: Crutters," Karl Popper, "Conrad Lorentz", translated by Abbas Bagheri Science Publishing, Tehran, 2004.
- Popper, Karl (1992). "Freedom and the Theory of Three Worlds". Translated by Ahmad Naraghi. *Kian Magazine*, second year, No. 90.
- Popper, Karl (1971). **Historical Poverty**. translated by Ahmad Aram. Tehran: Stock Company.
- Popper, Karl (2005). **I Know I Know Nothing: A Conversation on Politics, Physics and Philosophy**. translated by Parviz Dastmalchi. Tehran: Phoenix Publications.
- Popper, Karl (1997). **Lesson of this Century, with two speeches on freedom and democratic government, Giancarlo Lobozeetti's interview with Karl Popper**. translated by Ali Paya. Tehran: New Plan.
- Popper, Karl (1995). **Objective Cognition; Evolutionary perception**. translated by Ahmad Aram. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Popper, Karl (2001). **Open Society and Its Enemies**. translated by Ezatullah Fooladvand. Tehran: Kharazmi Publishing Company, third edition.
- Popper, Karl (1993). **Realism and the purpose of science**. translated by Ahmad Aram. Tehran: Soroush.
- Popper, Karl (2001). **Revolution or Reform: An Interview with Herbert Marcuse and Karl Popper**. Translated by H. Vaziri. Tehran: Kharazmi Publications, Fourth Edition.
- Popper, Karl (2009). **The Logic of Scientific Exploration**. translated by Seyed Hossein Kamali. Scientific and Cultural Publishing Company, fourth edition,.
- Popper, Karl (2000). **The Myth of the Framework in Defense of Science and Rationality**. Trans. By Ali Paya. Tehran: New Plan.
- Popper, Karl (2001). **The Search Still Remains**. Translated by Siamak Aghili. Tehran: Goftar Publishing.
- Popper, Karl, "Nowhere and Violence, Speeches and Conversations by Karl Raymond Popper", selected and translated by Khosrow Naqed and Rahman Afshari, Jahan Kitab, Tehran, 2009.

- Popper, Karl, "Unfinished Search", translated by Iraj Aliabadi, Tehran, Revolutionary Publishing and Education Organization, Tehran, 1990.
- Popper, Karl, "Open World; Argument in Confirmation of Uncertainty: The Second Part of the Draft on the Logic of Scientific Exploration ", translated by Ahmad Aram, Soroush, Tehran, 1996.
- Popper, Carl, "Conjectures and Refutations; The growth of scientific cognition ", translated by Ahmad Aram, published by Tehran, 1984.
- Popper, Karl, "Freedom and Responsibility of Intellectuals", translated by Kourosh Zaeem, Iran Mehr Publications, Tehran, 2010
- Pourfard, Massoud, "Religious Democracy"; Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, 2005
- Jones, and T., "Gods of Political Thought", translated by Ali Ramin, Amirkabir Publications, Tehran, first edition, 1979.
- Jahanbegloo, Ramin, "In Search of Freedom, Conversation with Isaiah Berlin", translated by Khojasteh Kia, Nashr-e Ney, Tehran, 1999.
- Jahanbegloo, Ramin, "Critique of Modern Reason, (Conversation with the Thinkers of Today's World)"
- Haji Sadeghi, Abdullah, "Philosophy and Political System of Islam", Zamzam Hedayat, Qom, 2004
- Khamenei, Seyyed Ali (2000). **Meeting with members of the council of the Office for Consolidation of Unity**
- Khomeini, (Imam) Ruhollah (2000). **Sahifa Noor, Vol. 4.** Tehran: Institute for Publishing and Arranging the Works of Imam Khomeini.
- Davari Ardakani, Reza, "Karl Popper in Iran: Philosophy and Politics", Islamic Culture Publishing Office, Tehran, 1999.
- Davari Ardakani, Reza, "A Critical Review of Karl Popper's Philosophy", Cultural Institute of Contemporary Knowledge and Thought, Tehran, 2000.
- Marine, Mohammad Rasool, "Liberalism of the Kaaba of the Aspirations of the Westerners", Publications of the Martyr of the Islamic Revolution Foundation, Tehran, 1983.
- Robert, Holab, Jürgen Habermas; Criticism in the public sphere; Habermas' Philosophical Equations with Poppers, Gadamer, Luhmann, liotar, Derrida, and Others "
- Rabbani Golpayegani, Ali, "Freedom and Democracy from the Perspective of Islam and Liberalism", Publications of the Educational-Research Institute, Islamic Religions, Qom, 2003.
- Redhead, "From Plato to NATO", translated by Morteza Kakhi, Agah Publications, Tehran, first edition, 1994.
- Zarshenas, Shahriar, "Hints about Liberalism in Iran", Kayhan Publications, Tehran, second edition, 1998.
- Sakhvati, Nasrollah; "Islam and Democracy", Seminary Management Center Publications, Qom, 2004

- Shafiee, Alireza, "Social Gap and Decline in American Society", Etedal Publishing, Tehran, First Edition, 2005.
- Shahedi, Ghaffar, "Theological Principles of Religious Government", Maaref Publishing, Qom, 2011
- Shirmer, Jeremy, "Karl Popper's Political Thoughts", translated by Ezatullah Fooladvand, New Plan, Tehran, 1998.
- Siddiqin, Alireza, "Critique of Popper's Criticisms of Plato and Aristotle with the Focus on Democracy", Research Center, Isfahan, 2004.
- Enayat, Hamid, "Foundation of Political Philosophy in the West", University Press, Tehran, second edition, 1351.
- Fooladvand, Ezatullah, "Wisdom in Politics", New Plan, Tehran, first edition, 1998.
- Levin, Andrew, "Design and Critique of the Theory of Liberal Democracy", translated by Saeed Zibakalam, Samat Publications, Tehran, first edition, 2001.
- Michael Lesnaf, H., "Political Philosophers of the Twentieth Century", translated by Khashayar Dehimi, small publication, Tehran, first edition, 1999.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi, "Ethics in the Quran" published by Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, 1997
- Maggie, Brayan, "Popper", Translation by Manouchehr Bozorgmehr, Kharazmi Publications, Tehran, first edition, 1980.
- Maggie, Brian, "History of Philosophy", translated by Hassan Kamshad, Ney Publishing, Tehran, first edition, 2008.
- Immigrant, Christ, "Liberalism; Racism and New Colonialism: Attached to Four Other Articles, Ouj Publishing, Tehran, 1980.
- Novak, George, "Empirical Philosophy: From Locke to Popper", translated by Parviz Babaei, Azadmehr Publishing, Tehran, 2005.
- Yarrow, Ian and Pralong, Sandra, "Popper's Open Society After Fifty Years; Continuation of the subject of Popper's discussion ", translated by Mostafyounsi, Markaz Publishing, Tehran, 2004.
- List of articles
- Bakhshipour Rudsari, Abbas, "Husserl in Popper's Look", Kayhan Farhangi Magazine, No. 79, Year 8, January 1991.
- Jamiz, Roger, "Popper and Awareness", translated by Abbas Esfandiari, Kian Magazine, No. 40, fourth year, February and March 1994.
- Haghdar, Ali Asghar, "**Karl Popper's intellectual approach**", Kayhan Andisheh Magazine, No. 51, December and December 1993.
- Haghdar, Ali Asghar, "Metaphysics from Popper's point of view", Kayhan Andisheh Magazine, No. 47, April and May 1992.
- Salavati Bisheh, Mina, "**Religious Democracy in a Comparative Approach**", Proceedings of the Third National Conference on Theory of Religious

- Democracy, by Seyed Mohammad Reza Marandi, Maaref Publishing, 2014
- Arab, Mihan, "**Methodological Critique of Descartes' Philosophy and Popper's Opinions**", Journal of Wisdom and Philosophy, serial number 20, fifth year, fourth issue, winter 2009.
  - Farzaneh, Abdolhamid, Mohammad Jahanbakhsh, "**Comparison of Theoretical Foundations of Religious Democracy with Democracy**", Proceedings of the Third National Conference on Theory of Religious Democracy, by Seyed Mohammad Reza Marandi, Maaref Publishing, 2014
  - Qashqaghi, Hossein, "**A Look at Popper's Refutation**", Journal of Information, Wisdom and Knowledge, No. 12-1, first year, March 2005 to February 2006.
  - Kachunian, Hossein and Fooladian, Majid, "**Philosophy of Social Sciences from Popper's Perspective**", Journal of Philosophical-Theological Research, serial number 34, ninth year, second issue, winter 2007.
  - Kamali, Hossein, "**Kian's Conversation with Karl Popper**", Kian Magazine, Volume 10, Year 5, December-March 1992.
  - Watkins, John, "**New Popper Reform of Popper's Opinions**", translated by Hassan Miandari, Journal of Revolution University, No. 109-108, Spring 1997.
  - Homayoun Katozian, Mohammad Ali, "**Popper, Positive Economics and the Logic of Scientific-Social Exploration**", Mofid Magazine, Fifth Issue, Year 2, Spring 1996.